

معماری در ایران



صفحه

عنوان

۲

معماری قبل از اسلام، معماری باستانی ایران

۵

وضعیت معماری و هنر ایران در قرون نخستین اسلامی

۹

معماری مساجد ایرانی

۱۳

نقش ممتاز طاقنما در معماری اسلامی

معماری قبل از اسلام، معماری باستانی ایران

معماری قبل از اسلام معماری ایرانی را باید بطور صحیح از اعماق تاریخ این سرزمین کهن مورد بررسی قرار داد.

معماری ایرانی به شش قرن قبل از میلاد مسیح باز می گردد، که مشخصات هر دوره معماری را در دوره های مختلف تاریخی شرح می دهیم :

۱- معماری دوران ماقبل تاریخ تا زمان حکومت مادها.

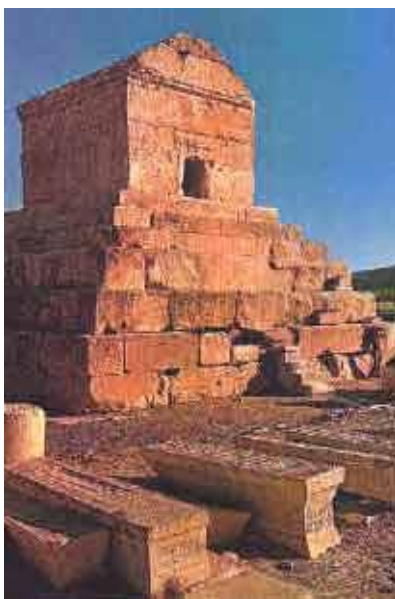
۲- معماری از زمان حکومت مادها تا پایان دوره حکومت ساسانیان

در رابطه با معماری ایران، باید به خوانندگان یادآوری شود، تغییراتی که در رابطه با هنر پیشینیان ایران در معماری داده شده و نحوه ساختمان سازی آن دوران. در سخنی کوتاه می توان به : حکاکی بر روی سنگ، گچکاری، نقاشی، آجرکاری، آئینه کاری، کاشی کاری، موزائیک کاری و دیگر کارهای تزئینی اشاره کرد. البته ما باید استثناهایی هم برای ساختمان های چند شکلی که برای مواردی خاص استفاده می شد، قائل شویم. این گوناگونی برآمده از نیازهای خاص مردم در زمانهای متفاوت بوده است. هنرمندان ایرانی به دنیا ثابت کردن که توانائی های بالایی دارند و شامل احترام بسیار، بخاطر اثرهای تاریخی منحصر بفرد فراوانی که از خود بجای گذاشته، هستند.



بنظر مشکل می رسد که بتوان معماری ایرانی را از زمانهای بسیار دور تا بحال طبقه بندی کرد. اما، ترتیبات زیر می تواند چشم انداز وسیعی از این کارها در اختیار شما قرار دهد: کلیه های ماقبل تاریخ، شهرها و قصبه های اولیه، استحکامات و دژهای نظامی، معابد و آتشکده ها، مقبره ها و آرامگاه های بزرگ، مکانهای عظیم تاریخی، سدها و پلها، بازارها، حمام ها، جاده ها، مساجد عظیم، برجها و مناره ها، ساختمانهای مذهبی و محلهایی از دوران اسلامی، و همچنین بناها و یاد بوذهای گسترده در کشور ایران.

از دیگر چیزهای مهمی که بر روی معماری ایرانی تاثیر گذار بوده است، شرایط مهم آب و هوایی در فلات ایران بوده است. بطور مثال سبک معماری در شمال کشور و کوهپایه های ایران با سبک معماری در جنوب و کویر ایران تفاوت دارد. اکنون با مصادف شدن با اطاعات تمام نشدنی و حیرت آوری که امکان آن در هیچ کشور دیگری نیست، نگاهی داریم گذرا به معماری ایرانی.



صحبت کردن در مورد معماری باستانی، بدون اینکه نمونه هایی از آن وجود داشته باشد تقریباً غیر ممکن است.

یکی از قدیمی ترین بناهای کشف شده در فلات ایران مربوط می شود به بنای رنگ شده " زاغ تپه " در قزوین. در تاریخ گذشته که مربوط می شود به قرن هفتم و اوایل قرن ششم قبل از میلاد، باید بسیار مورد رسیدگی قرار گیرد که در آن زمان قبل از تاریخ، چگونه و با چه وسائلی این بنا را آراسته کرده اند. از این بنا برای جمع شدن و اجتماعات استفاده می شده است.

در این بنا از شومینه برای گرم کردن ساختمان در فصلهای سرد سال استفاده می شده است. همچنین محلی برای درست کردن کباب داشته است. همچنین این ساختمان دو محل برای نگهداری ابزارها و وسائل، بعلاوه اتاقی کوچک که از آن به عنوان نشیمن استفاده می کردند. دیوارها بوسیله نقاشی از بز کوهی تزئین شده است. به احتمال خیلی زیاد از این مکان برای انجام مراسم مذهبی خود استفاده می کردند.

تپه سیالک در نزدیکی کاشان نیز یکی دیگر از این مکانهای تاریخی است، که به قرن ششم و پنجم قبل از میلاد برمی گردد.



نمایی از معبد چغازنبیل در خوزستان

اولین بار که مردم به منطقه سیالک رفتند، نمی دانستند که چگونه باید خانه ساخت، و زیر کلیه هایی که با برگ درختان تهیه شده بود زندگی می کردند. اما بزودی آنها فرا گرفتند که چگونه با گل، خشت خام درست کرده و مورد مصرف در خانه سازی قرار دهند.

در قرن چهارم قبل از میلاد مسیح مردم سیالک بصورتی جامع شروع کردند به بنا نهادن بناهای جدید، که بخوبی مشخص است. این بناها بصورتی یکجا و توده، و تماما تهیه شده از آجر خام بود. این آجرهای اولیه که بصورتی بیضی شکل تهیه می شد، در آفتاب گذاشته شده و خشک می شدند؛ و بعد از آن مورد استفاده قرار می گرفتند. معماری این دوره تمام بناها را با رنگ قرمز تزئین کرده و تمام درهای این بناها کوتاه و باریک بوده و قد درها بیشتر از ۹۰ - ۸۰ سانتی متر نبود.

تپه حسن در نزدیکی دامغان، تپه ایلبلیس در ۷۲ کیلومتری کرمان، و تپه حسنلو در آذربایجان غربی از بناهایی هستند که بوسیله حفاری های باستان شناسی از زیر خاک بیرون آورده شده اند.

در حفاری های تپه حسنلو، سه بنای عظیم کشف شد که تمام آنها با نقشه ای یکسان درست شده بودند. این بناها به ۱۰۰۰ - ۸۰۰ سال قبل از میلاد مسیح برمی گردند. تمام آنها دارای دروازه ورودی، حیاط سنگفرش شده، اتاقها و انبار بوده اند.

در معماری تپه حسنلو، ساختمانها بنظر از چوب بنا شده اند؛ مربع و بصورت برج با پایه های چوبی که بدون برش بصورتی عمودی از آنها بعنوان پایه و ستون استفاده شده بود. یکی از اتاقها بصورتی سنگفرش شده با خشت خام کشف شد. نکته جالب توجه اینکه اتاقی دیگر را که بعنوان آشپزخانه از آن استفاده می شده دارای جاهای مخصوص با شومینه دور آنها بود.

یکی از معماریهای مهم ایران مربوط است به قرن ۱۳ قبل از میلاد؛ معبد چغازنبیل (۱۲۵۰ قبل از میلاد) است که در کنار رودخانه کرخه در استان خوزستان در جنوب ایران قرار گرفته است. این معبد بوسیله "هونتاش هویان" پادشاه ایلام بر روی خرابه های شهر باستانی "دور - آنتش" ساخته شده بود.

این معبد نشانگر اوج و شکوه معماری در آن دوره است. این بنا بصورت چهارگوش و به صورت یک ساختمان پنج طبقه است، که هر طبقه از طبقه قبلی کوچکتر است و نمائی بصورت مخروطی را نشان می دهد. معبد اصلی در آخرین طبقه ساخته شده بود. موادی که در ساختمان این معبد بکار رفته است، بیشتر از آجرهای پخته لعاب دار همراه با ساروج بسیار قوی بوده است.

گنبد غربی معبد چغازنبیل که بصورتی ماهرانه ساخته شده بود هنوز هم پس از گذشت سه هزار سال از تاریخ آن بصورتی عجیب و حیرت آور در وضعیتی خوب بسر می برد. ساختن طاقهای هلالی شکل بر روی راهروها و پلکان های داخل معبد نشانگر موفقیت فوق العاده و شگفت آور معماری در ایران باستان است. چیزی که باعث تعجب و شوک بسیار در معماری چغازنبیل است، اینکه ابتکار هنرمندان آن دوره در اختراع و ساختن یک سیستم جدید که آب آشامیدنی ساختمان را تهیه می کرده است. آب تسویه شده بوسیله عبادتگران و پرستشگران و ساکنین آن منطقه مورد استفاده قرار می گرفت.

وضعیت معماری و هنر ایران در قرون نخستین اسلامی

آثار و محوطه های مهم دوره ی اسلامی ایران که در آنها بررسیها و کاوشهای باستانشناسی انجام شده است، عبارتند از :

۱. سیراف

شهر و بندر تاریخی سیراف در کنار بندر جدید به نام طاهری و ۲۰۰ کیلومتری شرق بوشهر واقع شده است. «سیراف» بندری آباد و معمور در دوره ی ساسانی وسده‌های اولیه ی اسلامی بوده که در سده ی چهارم هجری بر اثر زلزله ویران و متروک گردید. کاوشهای این شهر توسط هیات باستانشناسان انگلیسی به سرپرستی «دیوید وایت هوس» در سالهای ۱۹۶۶ و ۱۹۷۶ میلادی انجام گردید و بخشی از شهر قدیم و منازل مسکونی و مسجد شهر از زیر خاک بیرون آمد.

۲. شهر حریره جزیره کیش

در شمال جزیره کیش بقایای بندر و شهر قدیمی که اینک به صورت تلی از خاک و سنگ بر جای مانده است، به چشم می‌خورد که در قرنهای پنجم تا نهم هجری بندر و شهری آباد و معمور بوده و به دلایلی از سده ی نهم به بعد خالی از سکنه و ویران گردیده است. کاوشهای سه محل از این شهر سد و بیست هکتاری را در سالهای ۱۳۷۰ و ۱۹۷۶ میلادی انجام گردید و بخشی از شهر قدیم و منازل مسکونی و مسجد شهر از زیر خاک بیرون آمد.

۳. بندر هرمز

هرمز پس از سیراف و کیش در خلیج فارس مرکزیت یافت و این مقارن بود با ورود ناوگان اروپاییان به خلیج فارس در اوایل قرن دهم هجری. پرتغالیها این جزیره را مرکز فعالیتهای خود قرار دادند و قلعه‌ای بزرگ از سنگهای تراشدار در آنجا ساختند. در سال ۱۳۷۴ خورشیدی هیات باستانشناسان ایرانی به سرپرستی «فاطمه کریمی» در هرمز به کاوش پرداختند.

۴. غبیرا

کاوشهای شهر تاریخی «غبیرا» در ۶۰ کیلومتری جنوب کرمان در محال بردسیر را طی سالهای ۱۹۷۱ تا ۱۹۷۵ میلادی باستانشناسان انگلیسی به سرپرستی «گرافهروری» و با همکاری دکتر «بیوار» انجام دادند و بخش‌هایی از شهری که در ادوار مختلف (سده ی سوم تا دهم هجری) مسکون و آباد بوده از زیر خاک بیرون آمد.

۵. شهر قدیم نیشابور

نیشابور را ابرشهر دوره ی ساسانی گفته‌اند. این شهر یکی از چهار شهر بزرگ خراسان و در برخی دوره‌ها پایتخت ایران بوده است. کاوشهای شهر قدیم نیشابور در سالهای ۱۹۳۵ تا ۱۹۴۷ میلادی بطور متناوب باستانشناسان

امریکایی «موزه متروپولیتن» انجام دادند. (۱۰۱) آنگاه هیات باستانشناسان ایرانی در سال ۱۳۴۷ به سرپرستی «سیف‌الله کامبخش فرد» در دو محله‌ی شهر قدیم «خرمک» و «لک لک آشیان» حفاری کرد (۱۰۲) و با فرستادن هیاتی به سرپرستی نگارنده در سالهای ۱۳۶۷ و ۱۳۶۸ خورشیدی، کاوشهایی برای تعیین حریم تاریخی شهر قدیم انجام داد.

۶. شهر قدیم ری

ری که در کتاب اوستا از آن با نام «راگا» یاد شده، شهری است با سابقه‌ی تاریخی طولانی و ممتد. در دوره‌ی اسلامی خصوصاً سده‌های اولیه، ری با نام «محمدیه» از اعتبار و رونق برخوردار بود. در سالهای ۱۹۳۳ تا ۱۹۳۵ میلادی، هنگامی که باستانشناس مشهور «اریک اشمیت» در «چشمه علی» شهر ری در پی ردپای فرهنگ هزاره‌ی چهارم پیش از میلاد بود، در نقاط مختلف شهر ری نیز کاوشهای کوتاه مدتی انجام داد ولی متأسفانه گزارش این مطالعات وی هرگز انتشار نیافت. در سال ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ خورشیدی نیز یک هیات ایرانی به سرپرستی «یحیی کوثری» و دکتر «شهریار عدل» مطالعات و کاوشهایی در دامنه‌ی کوه نقاره‌خانه انجام داد.

۷. شهر سلطانیه

سلطانیه در ۵۰ کیلومتری زنجان پایتخت سلطان محمد خدابنده (اولجایتو) ایلخان مغول بود. به دستور او در سال ۷۱۶ هجری شهر و گنبدی رفیع به ارتفاع ۵۰ متر که از بلندترین گنبد‌های اسلامی است احداث شد. در سالهای ۱۳۵۵ تا ۱۳۵۷ هیاتی از باستانشناسان ایرانی به سرپرستی «سعید گنجوی» در تپه نور سلطانیه که احتمالاً بخشی از محلات مسکونی شهر بوده، کاوشهایی انجام داد (۱۰۴)، این برنامه را پس از انقلاب نیز باستانشناسان ایرانی به سرپرستی «علی‌اصغر میرفتاح» تداوم دادند و بخشهایی از دیوار و برجهای ارگ سلطنتی را نیز از زیر خاک بیرون آوردند.

۸. شهر قدیم جرجان

واژه‌ی «جرجان» که معرب «گرگان» است به شهری بزرگ و وسیع دوره‌ی ساسانی و اسلامی به وسعت ۱۲۰۰ هکتار اطلاق می‌شده که بر اثر زلزله و حمله‌ی ویرانگر مغول بکلی منهدم و متروک گردید و جای خود را به گرگان داد.

این شهر تاریخی در نزدیک شهرستان گنبد واقع شده و در فاصله‌ی سالهای ۱۳۵۰ تا ۱۳۵۷ خورشیدی، باستان-شناسان ایرانی به سرپرستی «محمد یوسف کیانی» بخش‌هایی از آن را کاوش کردند.

۹. توس

«توس» امروزی همان «تایران» ادوار اسلامی است که از شهرهای معمور و آباد خراسان (تا سده‌ی نهم هجری) بوده و شاهد حوادث بی‌شمار تاریخی. این شهر بارها مورد هجوم اقوام گوناگون قرار گرفته است. از شهر قدیم توس در حال حاضر جز حصار خشتی و چینه‌ای بیرونی شهر و خرابه‌های ارگ قدیم و بنای موسوم به «هارونیه» که عده‌ای آن را آرامگاه «امام محمد غزالی» پنداشته‌اند، اثری بر جای نمانده است. کاوش بخش‌هایی از این شهر را در سالهای ۱۳۶۷ تا ۱۳۶۹ باستانشناسان سازمان میراث فرهنگی کشور به سرپرستی نگارنده انجام دادند.

۱۰. مسجد جامع اصفهان

مسجد جامع اصفهان را در زمره‌ی نخستین مساجد اسلامی ایران دانسته‌اند و گفته‌اند که در سده‌های نخستین اسلامی مسجد بر روی آتشکده‌ی دوره‌ی ساسانی بنیاد گرفت. گمانه‌زنی و لایه‌نگاری باستانشناختی، تداوم معماری و ساخت و سازها را از قرن سوم و چهارم تا به امروز در این مسجد نشان داده است. کاوش این مسجد را در سالهای ۱۹۷۲ تا ۱۹۷۵ میلادی باستانشناسان ایتالیایی اعزامی از موسسه «ایزمتو» به سرپرستی «امبرتو شرآتو» انجام دادند و براساس نتایج آن با در نظر گرفتن تداوم تاریخی مرمت کردند.

دیگر اماکن دوران اسلامی که در آنها مطالعات و کاوشهای باستانشناسی انجام شده است، عبارتند از :

مسجد جامع قزوین

مسجد جامع ساوه

مسجد جامع گلپایگان

مسجد جامع اردبیل

مجموعه ی شیخ صفی‌الدین اردبیلی در اردبیل

آرامگاه و خانقاه «بایزید بسطامی» در بسطام شاهرود

ارک علیشاه تبریز

قلعه گبری شهر ری

مسجد جامع زوزن خراسان

ویرانه‌های شهر ساسانی و سده‌های نخستین اسلامی در دره شهر استان ایلام

معماری مساجد ایرانی

محمد رضا کاشانی

فلاسفه ، طبیعت و آثار طبیعت را از همه جهات بررسی کرده اند ، اینان به فکر تحقیق در موجودات معنوی یا ذوات معقول و تعقلی هستند و به نمونه ها و انواع معقول می پردازند. در این بین بینشی مظهر جوهر و ذات تعقلی است که بواسطه آن ارواح ، از جهان طبیعت به جهان عقل و ملکوت یعنی معقولات فرا می روند. باری در این شهر معنوی فیلسوفانی با رهاورد دانش مادی و جسمانی و فیلسوفانی با رهاورد دانش ذوات معقول و تعقلی خود ، با یکدیگر برخورد می کنند. زیرا همانطور که محسوسات به واسطه مجردات نفسانی با معقولات مرتبط می شوند ، صحنه پردازی نیز به واسطه فلسفه و مفهوم در فلسفه شهودی و بینش عرفانی مشارکت می یابد.

جانهای هیبوط یافته در این دنیا ، در سلسله مراتب وجود ، به مدد همزادان خود نیاز دارند و در مرتبه عالی متمثل می سازند. به همین سبب است که آن جانها خانه و کالبد خود را ترک کرده و به شهر معنوی هجرت می کنند ، زیرا اقبال آن را داشته اند ، که به جانب او فرا خوانده شوند ، پس به راه می افتند تا از جهل به معرفت برسند ، از بی معرفتی به عرفان و معرفت دست یابند. و با پیمودن این راه است که روح و معنای مکتوم این مفهوم کشف می شود که جسم و بنا می توانند وجه تمثیلی داشته باشند. در نتیجه همه جا به جاهائی از یک محله به محله ای دیگر ، یا از یک محله جغرافیائی به محله ای دیگر ، به صورت سیر و سلوک های روحی و معنوی استحاله پیدا می کند که در عین حال در حکم فتح عالم مثال است؛ چرا که مکانهای مختلف دارای همان اندازه تجربه های شهودی مختلف است ، زیرا هر مکانی به نوعی دارای رسالت شهودی خاص خویش است ، مجموعه ای از این مکانها یک مدینه تمثیلی را تشکیل می دهد. مدینه های تمثیلی با یکدیگر ارتباط دارند. مدینه تمثیلی ، چون این جهان و آن جهان را مرتبط می کند ، پس هر دو را در سطح عالم برزخ استحاله می بخشد. در همه موارد ، آنچه تعیین کننده است هرگز درک حسی و ملموس نیست ، بلکه تصویری است که مقدم بر همه دریافت های تجربی است و تنظیم کننده همه آنهاست. تصویر غالب در مورد منظور در اینجا مساجد ایرانی است که از تمثیل و نماد پرستشگاه و معبد گرفته شده است که مسلمین آن را صورت میراثی بصری از خود ، برای ما بر جای گذاشته اند. همین امر است که هم اندیشی ما را تشکیل می دهد و به ما آگاهی می دهد و مسبب کشف پیامی است ، کشف پیام مستلزم یافتن رمز است. این رسالت جز با میعاد و میثاق با حکمت و مفهوم ممکن نخواهد بود ، امری که جهانگردان ساده تاریخ از عهده آن برنیامده اند.

در مساجد با الگوی فضائی نسبتاً یکسانی روبرو می شویم. حتی عناصر متشکله آنها نیز عناصر کالبدی واحد هستند. همه شبستان ، ایوان ، گنبد ، صحن ، سر در و محراب دارند. محرابش را به رنگین کمان ، و رواقهای طاقدارش

را به کوه تشبیه کرده اند ، که حاکی از این است که عالم صغیر آن بنا محشون از کنایات و تمثیلاتی از طبیعت است. این هماهنگی و همسانی در عین تحول و تنوع ، همه داستان تاریخ معماری ماست و درست به همین علت است که می توان حضور معماری ای زنده و پویا را در قالب یک سنت قوی ، طراحی و در یک دوره تاریخی طولانی مشاهده کرد و از آن درس گرفت. این هماهنگی در عین تنوع نه تنها در الگو و انتظام فضائی ، فضای کلی مسجد بلکه در عناصر سازنده آن نیز قابل مشاهده است. شبستان یک معنا و الگوی روشن دارد اما در هر مسجدی چهره ای تغییر یافته است و سر در و گنبد و ایوان و همه این عناصر در نظمی خاص ، معین و از پیش اندیشیده ، گرد هم آورده شده و انتظام یافته اند. اما در عین حال هر یک فضای متفاوتی را عرضه می دارند و بیانی نو دارند. گوئی هر یک با زبان حال خود ، قصه واحدی را می سرایند و عجب آنکه این قصه را هر بار که می شنوی نامکرر است. مسجد پیامبر در مدینه نمونه نخستینی برای جمیع مساجد بعدی جهان اسلام شد و در دو بخش مهم مسجد ، بر اساس طراحی محوری پی نهاده شد. در نقطه ای که محور قبله با خط راس دیوار مسجد تلاقی می کند ، یک فرو رفتگی جهت دار به نام محراب تعبیه می شود که چیزی جز محور مریبی عبادی نیست. محراب یکی از خصوصیات و در حقیقت ، ماحصل هنر و معماری مقدس اسلامی گردید. اصل جهت دار بودن طرح تمامی مساجد ، آرامگاهها و سجاده ها ، همه از ویژگی محراب مایه گرفته است. توزیع عناصر اصلی عبادی بر پایه محور قبله است ، اما به منظور تشریح مراحل عمل عبادی بهتر آنست که پیش از اینکه به ویژگیهای درونی مسجد بپردازیم ، خصوصیات مسجد شامل ، مناره ، گنبد ، حوض و وضوخانه نیز بپردازیم.

مناره : منار یا مناره که چراغدان و چراغ پایه نیز گفته شده ، در لغت به معنای کانون نور ، محل نور و جای نار تعبیر شده است. وجه تسمیه مناره ها این است که مناره ها چه برای راهنمایی عابدان گم گشته در صحرا و چه برای بیداری ارواح خواب مانده در سحرگاه ساخته شده است. مناره معماری نور الهی ، راهنمایی و هدایت است. گنبد : گنبد که اساس آن دایره است ، تصویر یک کل نامحدود است که چون به تساوی تقسیم گردد ، به چند ضلعیهای منتظمی بدل می شود. آن چند ضلعیها هم ممکن است خود به چند ضلعیهای ستاره گون تبدیل و بر فرازش آید و پیوسته در تناسب هندسی کاملاً هماهنگی گسترده شوند. این شیوه بدست آوردن همه تناسبات مهم از تقسیم کردن دایره به کمانهای برابر چیزی جز روشی نمادین برای بیان توحید نیست که همانا عقیده ماوراء الطبیعی وحدانیت الهی است که مبداء و معاد جمله کثرات است. انسان سنتی این صور را ، همچون تشخیص اعداد ، جلوه کثرات صادره از خالق ادراک می کند. نقشهای هندسی بی نهایت گسترش پذیر ، نمادی است از بعد باطنی اسلام و این مفهوم صوفیانه " کثرت پایان ناپذیر خلقت ، فیض وجود است که از احد صادر می شود : کثرت در وحدت " و چون گنبد رو به آسمان کشیده شده ، لذا درخت بهشتی (طوبی) مناسبترین نقشمایه برای تزئین سطح

داخلی آن بود. یک نمونه برجسته از این نوع تزئین در قبه الصخره دیده می شود و در آن درخت عالمگیر پر نقش و نگاری که از دیدگاه اسلامی از بالا به پائین رشد می کند ، از نقطه اوج گنبد رو به پائین کشیده و سرتاسر فضای داخلی گنبد را فروپوشانده و تا نقطه پائین ادامه یافته است. استفاده از درخت وارونه عجیب به نظر می رسد ولی در اسلام این دنیا همچون تصویری در آینه ، رمز و نمادی از بهشت است. اصل برگشت پذیری در اسلام رخ می دهد

حوض : در مرکز هندسی صحن یا محوطه ، حوضی وجود دارد که آب آن جاری و همیشه تازه است. این حوض آینه آب است که در عین حال هم تصویر گنبد آسمان (را که طاق واقعی پرستشگاه مثالی است) و هم تصویر کاشیهای هفت رنگ پوشاننده نماها را در خود منعکس می کند . از این طریق این آینه است که پرستشگاه مثال، ملاقات آسمان و زمین را تحقق می بخشد. آینه آب در اینجا در حقیقت نماد و مظهر مرکزیت را در خود متجلی کرده است. باری این نمود آینه در مرکز سازه پرستشگاه مثالی ، در مرکز متافیزیکی که یک سلسله از فیلسوفان ایرانی تعلیم داده اند ، نیز قرار دارد و برجسته ترین این فیلسوفان در مقطعی از زمان در اصفهان می زیسته اند.

پس باید بین اشکال مختلف یک ادراک واحد ایوانی از جهان پیوند و ارتباطی وجود داشته است.

پس جادارد که روی نمود اساسی آینه پافشاری کنیم. چهار جهت اصلی (شمال ، جنوب ، شرق ، غرب) را چهار ایوان تعیین می کند. این جهت ها در امتداد افق قرار دارند. اما جهت و بعد عمودی را ، از نقطه "نظیر" یا "سمت القدم" تا "سمت الراس" ، آینه نشان می دهد. با توجه به اینکه در مرکز حوض نمی توان قرار گرفت ، چه اتفاقی خواهد افتاد، اگر در محور یکی از چهار ایوان قرار بگیریم؟ می توانیم در عین حال هم ایوان و هم تصویر معکوس آن را در حوض مشاهده کنیم. اما این تصویر معکوس نتیجه بالقوه (مجازی) است که در وهله نخست ، انعکاس آن روی سطح صیقلی آب ایجاد شده است. حال این موضوع تصویر معکوس را به سطح علم مرایای عرفانی منتقل کنیم. انتقال تصویر از مرحله قوه و مجاز به فعل و واقعیت ، همان اصل تاویل است که برای متاذهین مکتب سهروردی در حکم رسوخ به عالم مثال ، "اقلیم هشت بهشت" یا عالم برزخ بین عالم معقول و محسوسات است.

تجمل و نمایشگرانی ، همچنان که محور زیباشناسی بصری در سایر وسایط هنر آن دوره است ، عنصر اصلی نماینده سلیقه معماری نیز هست. نماهای بیش از اندازه وسیع موجب فزونی میل به قالبی کردن اشکال معماری شد ؛ و با پیچیدگیهای بصری اجزای نقش که سطوح نما را جذاب و شورانگیز می کرد ، تجربه معماری را غنی ساخت ، و بر قدرت معماران در جلب توجه بینندگان افزود. تناقض های معمول بین رویه تزئینی بنا و سازه آن ، در اینجا ماهرانه به گفتگوی پویایی تبدیل شد که در آن سازه و تزئینات همدیگر را از طریق تقسیمات هندسی تکمیل می کردند. نماهای رنگارنگ به دیوارهای لطیف رنگین و صفحات کم عمق عالم دو بعدی ، لطفی پویا و بافتی غنی بخشید.

پوشاندن سرتاسر سطوح داخلی و خارجی بنا با نقش رنگین و کتیبه در قالبهای مختلف ، حال و هوای این بناها را نه تنها به طرح بناه های خیالی تصویر شده در مینیاتورهای آن زمان ، بلکه نوعی سلیقه "نقاشانه" در معماری را منعکس می کند. این مجموعه از دیوارها و طاقهای متوالی ، پر زینت است که چون کلی واحد به ادراک در نمی آید بلکه سطوح پیچیده پرکاری است که جدا جدا حین حرکت در زمان و فضا دریافت می شود. تلقی معماری چون تاثیر و اثر مهیج سازه و تزئینات و رنگ و حجم پردازی و بافت و نور ، حاکی از جریانهای ذهنی ادراک بصری است. از میان نقشهای هندسی ، آنها که دارای ستاره (یا شمسه) اند ، بیشتر تدائی کننده آسمان اند. شبکه دواپر هم مرکز مدارگونه ای که زیر نقش گره های ستاره ای است یارآور مدارات ستارگان است ، و شعاعهای هم فاصله شمسه ها همچون پرتوهائی است که در آسمان پر ستاره از ستارگان می تابد. خطوط منتشر از مرکز ستاره های فرعی را تشکیل دهند ، دارای هویت بصری مبهمی است.

بورکهارت در کتاب اصلی خود در زیبا شناسی ، که در سال ۱۹۶۷ م با نام هنر مقدس در شرق و غرب از فرانسه به انگلیسی ترجمه شد ، زیباشناسی مابعدالطبیعی ادیان اصلی جهان ، از جمله اسلام ، را تشریح کرده است. از میان اولین مقالات وی درباره زیباشناسی اسلامی ، شاید موثرترین آنها " ارزشهای جاویدان در هنر اسلامی " ۱۹۶۷ م باشد که وحدت معنوی بی زمان سنت بصری اسلامی را بازگو می کند و بر ماهیت عرفانی و متفکرانه و غیر تاریخی نقوش هندسی اسلامی تاکید می ورزد : " نقوش هندسی دو شکل و نمونه دارد ؛ یکی نقش هندسی یافته متشکل از کثیری از ستاره های هندسی است ، که شعاعهای آنها به نقشی در هم تنیده و بی نهایت می پیوندند. این جالبترین نمادی است که از تامل در " وحدت در کثرت و کثرت در وحدت " به ذهن انسان ژرف اندیش می رسد... شکل دوم آن چیزی است که معمولاً نقوش هندسه اسلامی "عربانه " می خوانند و مرکب است از نگاره های گیاهی ، که به قصد محو همه شباهتها به طبیعت و رعایت محض قواعد ضرباهنگ به صورت گرافیک در آمده است ، هر خط در امتداد خود پیچ و تاب می خورد و هر سطح قرینه ای دارد. عربانه هم موزون است و هم ریاضی وار است و هم خوش آهنگ و این برای روح اسلام که مایل به تعادل عشق و عقل است ، بیشترین اهمیت را دارد... " در چنین شیوه های هر چه در هنر فارغ از زمان است و هنری مقدس همچون هنر اسلامی همواره شامل عنصری بی زمان است ، معقول می افتد. وی در ادامه می افزاید : آفت اصلی که باید از آن احتراز کرد این ذهنیت عالمانه است که به همه آثار هنری از قرون گذشته چون پدیده هایی صرفاً تاریخی نظر می کنند که به گذشته تعلق دارد و ارتباط آن با زندگی امروز بسی ناچیز است... باید پرسید در هنر اجداد ما چه چیزی بی زمان است. اگر این را تشخیص دهیم خواهیم توانست از این در ساختار دائمی زندگی عصر خود استفاده کنیم.

سید حسین نصر در مقدمه کتاب ، سنت معماری اسلامی ایران ، اصلی ترین قاعده آن را مفهوم یگانگی خداوند (توحید) دانست : " امروز هیچ چیز تازه تر نیست از حقیقتی که بی زمان است و پیامی که از سنت برمی آید و

مناسب حال است ، زیرا مناسب همه زمانهاست .

چنین پیامی به اکنون تعلق دارد که بوده است و همواره خواهد بود. سنت ، گفتن از قواعد لایتغیری از میدا آسمانی و از کاربرد آنها در برهه های مختلف زمان و مکان است."

پی نوشت :

کتاب اصفهان تصویر بهشت

کتاب سنت معماری اسلامی ایران نوشته پروفیسور حسین نصر

هندسه و تزئین اسلامی نوشته مهرداد قیومی

نقش ممتاز طاقنما در معماری اسلامی

طاقنما در ابتدا به جای ستون و محل قرار گرفتن سقف بر روی آنها مورد استفاده قرار می‌گرفت، اما با گذشت زمان و توسعه هنر معماری اسلامی از این طاقنماها به منظور احیای معماری اسلامی و تأکید بر ابداعات معماران مسلمان استفاده شد.

در تمام دوران اسلامی معماری مساجد اهمیت بسزایی داشت، از این رو معماران مسلمان با گذشت زمان سعی می‌کردند در معماری مساجد تحولاتی ایجاد کنند و بخشهایی را به آن بیفزایند و از آنها در زیباسازی مساجد و اهتمام به امور مساجد و جذب افراد مختلف استفاده کنند.

مساجد در گذشته به شکل صحن و یا ایوانی مسقف ساخته می‌شد که مهمترین بخش آن نمازخانه محسوب می‌شد. سقف مساجد در گذشته از شاخه های درخت خرما یا نخل ساخته می‌شد که ستونهایی از تنه نخل را حمل می‌کرد و یا اینکه سقف از چوب ساخته می‌شد که ستونهای زیرین سقف را نگه می‌داشت.

پس از اینکه در معماری اسلامی توسعه های فراوانی به وجود آمد طاقنماهای چوبی جای خود را به طاقنماهای سنگی داد تا بتواند بیشتر تحمل سقف را داشته باشد. از این رو آنها نقش مهمی در معماری اسلامی به عهده داشت.

در دورانهای مختلف اسلامی و با توجه به ماهیت هر کشور و فرهنگ موجود در آن کشور، طاقنماها اشکال مختلفی پیدا کردند؛ برخی از آنها به شکل نیم دایره بود، برخی ۴ و یا ۵ ضلعی بودند. در واقع می‌توان گفت که این طاقها

اساس توسعه سقف و گلدسته محسوب می شدند که در دوران اسلامی در کشورهای اسلامی توسعه فراوانی یافت.

از آنجایی که این طاقنماها رکن اصلی مسجد شد، مسلمانان معمار در کشورهای مختلف اسلامی سعی در تزئین و زیباسازی آن کردند و از طریق مواد و لوازم مختلف و همچنین طرحهای ابداعی و نوآوری تنوع فراوانی به طاقنماها دادند. برخی از این طاقنماها بر برخی دیگر برتری داشتند و رمز جاودانگی آنها شد.

برخی از این طاقنماها به صورت کندوی زنبور عسل ساخته می شدند. در مساجد برخی از کشورها مرسوم بوده که آنها نیز به سبک و شیوه معماری خود به تزئین آنها اقدام کنند. از این رو ساخت طاقنماها در کشورهای مختلف با هم تفاوت داشت.

اما مسلمانان استفاده از طاق را از رومیها فرا گرفتند و ابتدا در ساختمانهای خاص و خانه های ثروتمندان مورد استفاده قرار می گرفت، سپس در قرن ۱۹ شیوه های جدیدی به ساخت آنها داده شد که اینک بسیاری از این طاقها میراث اسلامی معماران مسلمان به شمار می رود

منبع: Parsianforum.com